نگاه

این بار «پایان خشونت دیجیتال علیه زنان و دختران»

مریم بهادری
مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بشر

از ۲۵ نوامبر (روز بین‌المللی منع/رفع خشونت علیه زنان) تا ۱۰ دسامبر (روز جهانی حقوق بشر)، جهان یک بار دیگر زیر نور نارنجی می‌رود؛ ۱۶ روزی که به روزهای نارنجی معروف‌اند و رنگ نارنجی به عنوان نمادی از هشدار درباره موضوع خشونت علیه زنان انتخاب شده است و به گفته نهاد زنان ملل متحد، این روزها نوید آن را می‌دهند که افراد عادی با آگاهی و آموزش و ایجاد حساسیت جهانی، هریک به فعال حقوق زنان تبدیل شوند. اما امسال سازمان ملل متحد تصمیم متفاوتی از هر سال گرفته است و برای اولین بار در تاریخ برگزاری این کمپین ۱۶روزه، تمام توجه را به یک شکل نه خیلی تازه اما به‌شدت گسترده و به‌تازگی پیچیده و چندوجهی از خشونت معطوف کرده است: خشونت دیجیتال علیه زنان و دختران. چراکه دیگر نمی‌توان گفت این نوع از خشونت صرفا «مجازی» است، بلکه آن‌قدر واقعی، پیچیده و ویرانگر شده که با تنیدگی در دیگر اشکال خشونت و گاه به عنوان پایه‌ای بر شکل‌گیری اقسام خشونت، دیگر جایی برای انکار یا سهل‌انگاری باقی نگذاشته است. یک دختر نوجوان که عکس ساده‌ای از خودش می‌گذارد، یک روزنامه‌نگار زن که در خبرگزاری‌ها گزارش انتقادی منتشر می‌کند، یک سیاست‌مدار زن که عموما در یک فضای غالبا مردانه کار می‌کند، یا یک فعال حقوق زنان که درباره موضوعات مرتبط با حوزه تخصصی‌اش می‌نویسد، هرکدام ممکن است در عرض چند ساعت با توفانی از تهدید، تهمت، تصاویر جعلی و افشای اطلاعات خصوصی روبه‌رو شوند. آمارهایی که نهاد زنان سازمان ملل متحد به عنوان اصلی‌ترین مرجع منتشر کرده است، تکان‌دهنده هستند: ۳۸ درصد زنان شخصا خشونت آنلاین را تجربه کرده‌اند، ۸۵ درصد شاهد آن بوده‌اند و ۹۰ تا ۹۵ درصد دیپ‌فیک‌های موجود (تصاویر، ویدئوها یا صداهای جعلی) در اینترنت، پورنوگرافی جعلی و سوءاستفاده از تصاویر با هدف زنان است. از سویی بیش از ۷۰ درصد زنان روزنامه‌نگار هم می‌گویند دیگر نمی‌توانند بدون ترس از آزار و تهدیدات کار کنند و به‌اصطلاح این خشونت دیگر در صفحه گوشی نمی‌ماند و به دنیای واقعی سرایت می‌کند؛ به طوری که به صورت تکه‌ای از پازلی عمل می‌کند که تعقیب فیزیکی، گروگان‌گیری فرد یا اعضای خانواده، ضرب‌وجرح و حتی قتل منجر می‌شود. سازمان ملل می‌گوید اگر امروز جلوی این موج فزاینده از خشونت دیجیتال را نگیریم، پنج سال دیگر هیچ زن یا دختری نخواهد توانست با امنیت در فضای عمومی دیجیتال حضور داشته باشد. هدف نهایی آزاردهندگان هم همین است: خاموش‌کردن صدای نیمی از جامعه در سراسر جهان. شاید پرسش مهم و کانونی این باشد که چرا این اتفاق می‌افتد؟ و پاسخ گرچه ساده اما هراس‌انگیز است: چون نه‌تنها پلتفرم‌های آنلاین تقریبا هیچ مسئولیتی نمی‌پذیرند، بلکه هوش مصنوعی همان‌طور که در حوزه علم و آگاهی‌بخشی ابزارهای جدیدی ساخته، به همان نسبت همان ابزارها ماهیت دوگانه داشته یا اساسا ابزارهایی را نیز برای آزار ساخته و دراین‌میان بسیاری از کشورها هنوز قانونی برای جرم‌انگاری این عملکردها ندارند و مرتکبان پشت این خلأهای قانونی و بی‌کیفری و حتی ناشناس‌بودن پنهان می‌شوند. البته گفتنی است که کمتر از ۴۰ درصد کشورها قانونی برای حمایت از قربانیان در فضای دیجیتال دارند؛ به عبارت دیگر و برای درک این بحران جهانی باید گفت که ۱.۸ میلیارد زن و دختر در جهان کاملا بی‌دفاع مانده‌اند.

شعار امسال (۲۰۲۵) سازمان ملل به‌ظاهر ساده است: «هیچ عذری پذیرفته نیست؛ برای پایان‌دادن به خشونت دیجیتال علیه زنان و دختران متحد شویم». بله، هیچ عذری پذیرفته نیست! یعنی عبارت‌هایی مانند: «فناوری جدید است»، «قانون نداریم» یا «پلتفرم خصوصی است» به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند خشونت فراگیر دیجیتال را توجیه کند. سازمان ملل از دولت‌ها می‌خواهد مصونیت شرکت‌های فناوری را بشکنند، از شرکت‌ها می‌خواهد ایمنی را در طراحی محصولات‌شان بگنجانند، از حامیان مالی می‌خواهد بودجه سازمان‌های فعال در حوزه حقوق زنان را تأمین کنند و از همه ما در سراسر جهان می‌خواهد به طور مداوم صدای قربانیان را بلند کنیم. اگر امروز شورای حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته سِدا و دولت‌های عضو در برابر این تهدید سکوت کنند یا به بهانه‌های فنی و حقوقی اقدام را به تعویق بیندازند، فردا صدای زنان نه‌تنها در فضای مجازی، بلکه در پارلمان‌ها، رسانه‌های مستقل، نهادهای مدنی و خیابان‌های شهرها خاموش خواهد شد و این یعنی عقب‌گردی تاریخی که دستاوردهای مهم جهانی را به خطر می‌اندازد. براساس این، ۱۶ روز نارنجی ۲۰۲۵ دعوتی قاطع به همه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی است تا با تعهد مشترک و با حساسیت‌زایی رنگ نارنجی، امید را برافرازند و نگذارند توسعه دنیای دیجیتال به بهای خاموشی حقوق بشر منجر شود؛ چراکه حقوق زنان، حقوق بشر است.

گزارش «شرق» از جاده‌های خطرناک و مرگ‌باری که دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار برای رسیدن به مدرسه طی می‌کنند

جاده‌های مرگ، مصدومیت و ترک تحصیل

بسیاری از دانش‌آموزان در مناطق جنوبی کشور، با سوخت‌بر و شوتی به مدرسه می‌روند، سرویس مدرسه ندارند، دختران ناچار به ازدواج زودهنگام‌اند و پسران ترک تحصیل می‌کنند

نسترن فرخه: ظهر یکی از روزهای آبان، مدرسه تازه تعطیل شده بود و کودکان کنار جاده ایرانشهر به سرباز در بین حرکت ماشین‌های سوخت‌بر و شوتی منتظر خودروهای عبوری برای سوارشدن بودند. دختر ۱۰ساله‌ای مانند دیگر دانش‌آموزان در انتظار بود که یکی از این ماشین‌ها با او برخورد می‌کند. حالا بیش از ۱۰ روز است بر اثر ضربه مغزی در بیمارستان بستری است. این حادثه اتفاقی نادر در این منطقه نیست، بلکه تکرار روزمره واقعیتی تلخ در مسیر رفت‌وآمد دانش‌آموزان است. از طرفی سرویس‌های فرسوده برای رفت‌وآمد و جاده‌های ناایمن در شهرهای مختلف بارها باعث مرگ و مصدودیت دانش‌آموزان شده است. با این حال هرچه محرومیت بیشتر باشد، این بحران نیز عمیق‌تر می‌شود؛ تا جایی که در بسیاری از روستاهای سیستان‌وبلوچستان چیزی به نام سرویس مدرسه وجود ندارد و دانش‌آموزان ناچارند با خودروهای سوخت‌بر یا ماشین‌های عبوری در مسیرهایی پرخطر رفت‌وآمد کنند؛ مسیری که بارها به سوختن و جان‌باختن آنها انجامیده و بسیاری از این حوادث حتی رسانه‌ای هم نمی‌شود. این در حالی است که طی این سال‌ها رسانه‌ها بارها در مورد شرایط پرخطر رفت‌وآمد دانش‌آموزان در جاده‌ها نوشتند ولی تاکنون آموزش و پرورش برنامه‌ای برای سرویس مدارس نداشته و حتی از بودجه این موضوع در مناطق محروم هم کاسته، تا جایی که همین مسئله بر افزایش تعداد ترک تحصیلی‌های سال جاری اثر گذاشته است. مدیران مدارس و تسهیلگران این مناطق تأکید دارند که نبود سرویس مدرسه جدا از مسئله خطر جانی، به‌راحتی می‌تواند منجر به ترک تحصیل، سوخت‌بری در سن کم و کودک‌همسری در سیستان‌وبلوچستان شود.

یک سیکل تکراری

سلسله‌ای از حوادث پراکنده اما مشابه که در اخبار رسانه‌ها به چشم می‌خورد، ناامنی جاده‌ها و فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل دانش‌آموزی را یادآور می‌کند؛ از ۲۹ فروردین که در کوهدشت لرستان سه مینی‌بوس در بازگشت از اردو دچار حادثه شده و هفت دانش‌آموز مصدوم شدند، تا ۶ آبان که در نقده آذربایجان غربی واژگونی یک مینی‌بوس ۱۲ دانش‌آموز را راهی بیمارستان کرد و برخورد سه سرویس مدرسه در محله سبزدشت تهران با ۱۵ مصدوم در سیزدهم آبان‌ماه. شدت حوادث اما در جنوب کشور عیان‌تر است. در ۱۴ آبان، برخورد یک پژو حامل دانش‌آموزان در محور دزفول به خیبر به مرگ یک دانش‌آموز و زخمی‌شدن چهار نفر انجامید؛ حادثه‌ای که بار دیگر مسئله استفاده از خودروهای غیراستاندارد و نبود سرویس ایمن در مناطق کم‌برخوردار را یادآوری کرد. حتی در مناطق شهری نیز نقص فنی عامل اصلی است. در ۳ خرداد، انحراف اتوبوس حامل ۲۰ دانش‌آموز دختر در مسیر قزوین به الموت، هرچند فقط به مصدومیت جزئی دو نفر منجر شد، اما طبق گزارش پلیس، ریشه حادثه «نقص ترمز» بود. این حوادث مشابه در نهایت پای مجلس را نیز به ماجرا باز کرد. در نهم مهر، یکی از نمایندگان استان سمنان پس از سانحه‌ای که به مرگ دو دانشجوی دختر انجامید، خواستار رسیدگی فوری به وضعیت جاده‌ها و سرویس‌های دانش‌آموزی و دانشجویی شد. کمی پیش از آن نیز گزارش رسمی کمیسیون عمران مجلس درباره دو سانحه مرگ‌بار در کرمان مربوط به آبان ۱۴۰۳ و فروردین ۱۴۰۴ منتشر شد.

در این گزارش همه نهادهای مربوطه، از آموزش و پرورش تا پلیس راه، شرکت‌های مسافربری، راهداری و مراکز معاینه فنی در قصور سهیم بوده‌اند. در این دو حادثه، مجموعا ۲۴ نفر جان باختند و ۴۸ نفر زخمی شدند. آنها خودروهایی فرسوده، دارای نقص فنی، یا با مسافرگیری بیش‌ازحد بودند که منجر به این موضوع شده است. مرور این وقایع نشان می‌دهد بحران ایمنی، محدود به یک استان یا یک گروه نیست، بلکه مسئله‌ای ساختاری و مزمن است که در مناطق محروم به شکل مرگ‌بارتری خود را نشان می‌دهد.

سوخت‌بر یا سرویس مدرسه؟

شرایط رفت‌وآمد دانش‌آموزان در مناطق جنوبی کشور بحرانی‌تر از دیگر مناطق است، به‌طوری که برخی از حوادث آن رسانه‌ای نمی‌شود. در بسیاری موارد دانش‌آموزان مجبور به جابه‌جایی با ماشین‌های سوخت‌بر و شوتی هستند که احتمال تصادف در آن جاده‌های غیراستاندارد را چند برابر می‌کند. شرمین نادری، فعال اجتماعی که سال‌ها در مناطق جنوبی کشور و به‌ویژه سیستان‌وبلوچستان در حوزه آموزش کودکان فعالیت می‌کند، وضعیت سرویس مدارس روستایی در این استان را برای «شرق» بحرانی و پیچیده توصیف می‌کند. به گفته او، مناطق دشتیاری، نیکشهر و آهوران بیش از دیگر نقاط با چالش رفت‌وآمد دانش‌آموزان مواجه‌اند؛ چالشی که بخشی از آن به مسئله سوخت برمی‌گردد. به گفته نادری، بسیاری از رانندگان محلی ترجیح می‌دهند خودرو بخرند و سوخت یارانه‌ای را بفروشند؛ کاری که از نظر اقتصادی برای آنان به‌صرفه‌تر از سرویس‌دهی در مسیرهای صعب‌العبور است. راننده وقتی حساب‌وکتاب می‌کند، می‌بیند نمی‌صرفد ساعت‌ها در جاده‌های خاکی و کوهستانی، با این استهلاک شدید، بچه‌ها را جابه‌جا کند. تازه اگر هم تمام سهمیه بنزینش را مصرف کند باید ساعت‌ها در صف‌های طولانی بایستد. بنابراین خیلی‌ها ترجیح می‌دهند اصلا کار نکنند. او می‌گوید: «همین موضوع باعث شده کودکان بسیاری از روستاها یا سرگردان بمانند یا با سوخت‌بران رفت‌وآمد کنند؛ سوخت‌برانی که اگرچه هزینه‌ای از خانواده‌ها نمی‌گیرند، اما خودِ عبور و مرورشان برای رساندن کودکان به مدرسه بسیار خطرناک است». طبق همین گفته‌های نادری: «در برخی روستاها، مانند روستای پن‌سان در نیکشهر، رانندگان برای سرویس مدارس تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای هر دانش‌آموز مطالبه کرده‌اند؛ مبلغی که هیچ‌کدام از خانواده‌ها توان پرداخت آن را ندارند. ما بخشی از هزینه را کمک کردیم، اما هنوز هم نامشخص است چقدر باید ماهانه بپردازیم. احتمالا حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان کمک‌هزینه لازم است که بر دوش خانواده‌هاست، در حالی که آموزش و پرورش فقط دو تا سه میلیون تومان کمک‌هزینه ماهانه برای یک سرویس اختصاص می‌دهد».

ترک تحصیل به دلیل سختی مسیر

بسیاری از همین دانش‌آموزان ترک تحصیل می‌کنند. نادری یکی از مهم‌ترین دلایل ترک تحصیل دختران و پسران دبیرستانی را نبود سرویس مناسب می‌داند. جاده‌های بدون زیرساخت، مسیرهای کوهستانی، گرمای طاقت‌فرسا و فاصله زیاد روستاها از یکدیگر، رفت‌وآمد روزانه را دشوار و گاه ناممکن کرده است. او نمونه‌ای از سال گذشته را یادآور می‌شود: «در روستای متسنگ، دخترهای متوسطه اول و دوم با یک وانت در جاده‌ای ۱۰ تا ۱۵کیلومتری رفت‌وآمد می‌کردند؛ جاده‌ای که محل عبور ماشین‌های سنگین ساخت خط آهن چابهار است و بسیار ناامن. حتی عکسی هم از بچه‌هایی که از وانت آویزان بودند گرفتم و با همان عکس توانستیم یک خیر را راضی کنیم مدرسه‌ای برای پسرها بسازند تا تعداد کمتری دانش‌آموز سوار بر این ماشین‌ها شوند». نادری به روستای کهنانی‌کش در دشتیاری اشاره می‌کند که تا چند سال پیش کودکانش فقط تا ششم ابتدایی درس می‌خواندند. با ساخت کتابخانه و سپس مدرسه متوسطه اول توسط گروه‌های مردمی، امروز صد دانش‌آموز در این مدرسه درس می‌خوانند. اما بیشترشان همچنان مجبورند با وانت به مدرسه رفت‌وآمد داشته باشند. نادری در بین حرف‌هایش از حادثه‌ای اخیر می‌گوید که یکی از کودکان در مسیر مدرسه دچار تشنج شد و برای پیداکردن یک وانت مناسب، ناچار شدند «چند برابر قیمت معمول» کمک‌هزینه بدهند. به گفته نادری، نبود خودرو استاندارد باعث شده بسیاری از پسران دبیرستانی با موتور رفت‌وآمد کنند؛ اتفاقی که بارها به سانحه منجر شده است: «چند وقت پیش دو دانش‌آموز موتورسوار با هم تصادف کردند. یک مورد دیگر هم خواهر و برادری بودند که در راه مدرسه با موتور تصادف کردند و متأسفانه این حادثه منجر به فوت شد». شرمین نادری توضیح می‌دهد که در روستای تخت‌ملک، راننده برای سرویس ماهانه دانش‌آموزان ۷۰ میلیون تومان مطالبه کرده بود و تا الان هم هیچ خیری برای خرید مینی‌بوس پیدا نشده است. نتیجه این شده که دانش‌آموزان یا با موتور به مدرسه می‌روند یا ترک تحصیل کردند، یا کنار جاده منتظر خودروهای عبوری می‌مانند؛ خودروهایی که هیچ امنیتی برای بچه‌ها ندارند. با این حال نادری تأکید می‌کند که حتی وقتی ساخت مدرسه در یک روستا مشکل رفت‌وآمد را کم می‌کند، ده‌ها روستای دیگر همچنان در وضعیت بحرانی‌اند: «ما در سنگان امسال به خاطر ساخت مدرسه و داشتن وانت، وضعیت بهتری داریم. اما یک روستا کجا؟ این همه روستای پراکنده و دور از مرکز کجا؟ در حالی که ادامه تحصیل دانش‌آموزان، مخصوصا دختران، به‌طور مستقیم به حل‌شدن همین مسئله ساده اما حیاتی یعنی سرویس مدرسه وابسته است».

مرگ در راه مدرسه

عبید ملک‌رئیسی، معلم و فعال آموزشی در مناطق روستایی جنوب استان سیستان‌وبلوچستان، از وضعیت خطرناک مسیر رفت‌وآمد دانش‌آموزان می‌گوید: «روزانه هفت، هشت نفر از همکاران و دانش‌آموزان با دو ماشین پشت سر هم مسیر ایرانشهر به سرباز را طی می‌کنیم. مسیر ما پر از روستاهای کوچک است و مدارس لب جاده قرار دارند. هیچ گذرگاه یا محافظی ندارد و دانش‌آموزان ناچارند در کنار جاده حرکت کنند». به گفته ملک‌رئیسی، سرویس مدرسه رسمی به آن معنا که در شهرهای دیگر رواج دارد، برای مدارس دخترانه و پسرانه این منطقه وجود ندارد: «دانش‌آموزان یا با موتورسیکلت شخصی یا با خودروهای گذری و حتی سوخت‌بر جابه‌جا می‌شوند. گاهی ما معلمان مجبوریم آنها را سوار کنیم، ولی نمی‌توانیم همیشه این کار را انجام دهیم، چون تعداد دانش‌آموزان زیاد است و همه آنها را که نمی‌توان سوار کرد. از طرفی همه معلم‌ها هم ماشین سواری ندارند».

برخورد با ماشین سوخت‌بر و آسیب مغزی

این معلم روایت می‌کند که هفته گذشته یک دانش‌آموز دختر کلاس چهارم یا پنجم در مسیر ایرانشهر به سرباز با یک خودروی سوخت‌بر برخورد کرد و دچار آسیب مغزی شد: «این دانش‌آموز مثل بسیاری دیگر از دانش‌آموزان بعد از تعطیلی مدرسه منتظر ماشین بود.

ادامه در صفحه ۱۰

خبرخوان

افزایش ۱۵ درصدی مأموریت‌های اورژانس

براساس اعلام اورژانس استان تهران، در هفته اخیر با توجه به آلودگی هوا مأموریت‌های مربوط به مشکلات تنفسی و تماس‌های اورژانس استان تهران نسبت به هفته گذشته ۱۵ درصد و در زمینه قلبی سه درصد افزایش یافته است. براساس اعلام اورژانس استان تهران، مردم باید توجه داشته باشند که برخی گروه‌های سنی و افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای در اولویت مراقبت قرار دارند. افرادی که دارای بیماری‌های قلبی و تنفسی هستند، به‌ویژه در این شرایط آلودگی، در معرض آسیب جدی قرار دارند. همچنین گروه‌های سنی خاص از جمله افراد بالای ۵۵ سال و کودکان زیر هشت سال، باید به‌شدت از حضور در مکان‌های عمومی، محیط‌های باز و به‌ویژه ورزش در فضای باز در ساعات ابتدایی روز خودداری کنند. در این شرایط بهتر است در و پنجره‌ها بسته بماند و در صورت وجود دستگاه تصفیه هوا، فیلترهای هوا فعال باشد و در نبود این دستگاه، استفاده از بخور سرد می‌تواند به کاهش خشکی و تحریک تنفسی کمک کند؛ اما بخورهای چرب اصلا توصیه نمی‌شود. از مردم می‌خواهیم با رعایت توصیه‌های بهداشتی که از سوی وزارت بهداشت و معاونت بهداشت به‌طور مکرر اعلام می‌شود، به ما و جامعه سلامت کمک کنند. در روزهای آلوده، مصرف مایعات فراوان و مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان‌ها مانند میوه و سبزی‌ها بسیار کمک‌کننده است.

برخورد قضائی با اجاره‌دهندگان معابر

سایت شهر: مدیرعامل شرکت سامان‌دهی صنایع و مشاغل شهر تهران با بیان اینکه معابر متعلق به مردم است، گفت: «با هرگونه اجاره معابر شهری با پیگیری قضائی و نظارت شهرداری برخورد می‌شود». مجتبی اقوامی‌پناه با تأکید بر اینکه معابر شهری تحت هیچ شرایطی قابل اجاره‌دادن نیستند، تأکید کرد: «در هر صورت ممکن است برخی اصناف یا افراد معابر را اجاره دهند که کاملا غیرقانونی است، اما به‌محض اطلاع به ما، برخورد قانونی صورت می‌گیرد». او با بیان اینکه بحث ساماندهی معابر از سوی شهرداری تهران آغاز شده است، افزود: «اگر مستندی برای اجاره معابر ارائه شود، قطعا برخورد جدی انجام خواهد شد. به‌طوری‌که در برخی موارد شکایت قضائی کرده‌ایم و پرونده‌هایی در دستگاه قضائی در حال پیگیری است». اقوامی‌پناه درباره اجاره‌های کلان معابر توضیح داد: «گزارش‌هایی داریم که در برخی مناطق، برخی مغازه‌داران معابر روبه‌روی مغازه خود را به افراد اجاره داده‌اند که این موضوع نیز منجر به تشکیل پرونده قضائی شده است. تمامی این تخلفات از طریق محاکم قضائی پیگیری می‌شود».

جدول ۵۲۰۵ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از شما دور باد- دوره بت‌پرستی پیش از اسلام- طراح ۲- شهری در ایالت فلوریدا- ... فوق ایدیهم ۳- کارگر کشتی- محصول نهایی سینما- ظرف نوشیدن مایعات ۴- دشنام- انسان- پرچم ۵- مجازات شرعی- قسمت استوانه‌ای چاه- معجزه ۶- حصیر- پیرو دین اسلام- حرف ندا ۷- شرط دوستی- کمیاب- شریک ۸- خوشحال و خندان- معشوق- رفیق ۹- معادل فارسی دراور- فرزند زکریای نبی(ع)- ادعای زیاده از حد ۱۰- نهیب- نوعی بیماری اختلال رشدی- از آلات موسیقی غربی ۱۱- گوناگون- معجزه ختمیه- نت چهارم ۱۲- وقت، زمان- وسیله تزریق آمپول- کوچه‌ای که فقط از یک طرف گذرگاه دارد ۱۳- بروشور- بشقاب‌پرنده- مایه دردسر ۱۴- غیردیجیتال- چهره برجسته سینمای کمدی ایران ۱۵- دعایی در مقام امام زمان(عج)- سرمای شدید- شهری در ایالت تورینگن آلمان

عمودی:

۱- پول زور- دانه‌های کاشتنی- اندامی در گیاهان بی‌گل ۲- مهاجم لهستانی تیم فوتبال بارسلونا- جنگ و جدال ۳- رشوه‌دادن- امپراتوری آلمان- نور ماه ۴- سرطان خون- زمین بی‌صاحب- تقویت امواج الکتریکی ۵- مکان- ضرر- سازمان علمی و فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد ۶- هشتمین سوره قرآن- ویراستار- سوغات اصفهان ۷- گوسفند قربانی- صمیمی- در توضیح کلام به کار می‌رود ۸- در را به چارچوب متصل می‌کند- مجسمه‌ای که فقط سر یک پیکره را نمایش می‌دهد- شاهد ۹- نشان افتخار- کودن- اندیشه ۱۰- خطکش نقشه‌کشی- هنر و علم طراحی ساختمان- خدایی ۱۱- شهری در استان مرکزی- واحدی نظامی- تکرار حرفی ۱۲- عقیده- میوه‌ای شیرین- سرچشمه ۱۳- نوعی هیدروکربن که بدن ما قادر به هضم آن نیست- صبحانه پرطرفدار- نوعی خویشاوندی ۱۴- زبانه آتش- کنایه از سخت خسته و درمانده‌شدن است ۱۵- از درجات نیروی دریایی- درختی با برگ‌های پنجه‌ای- همسر حضرت یعقوب(ع)

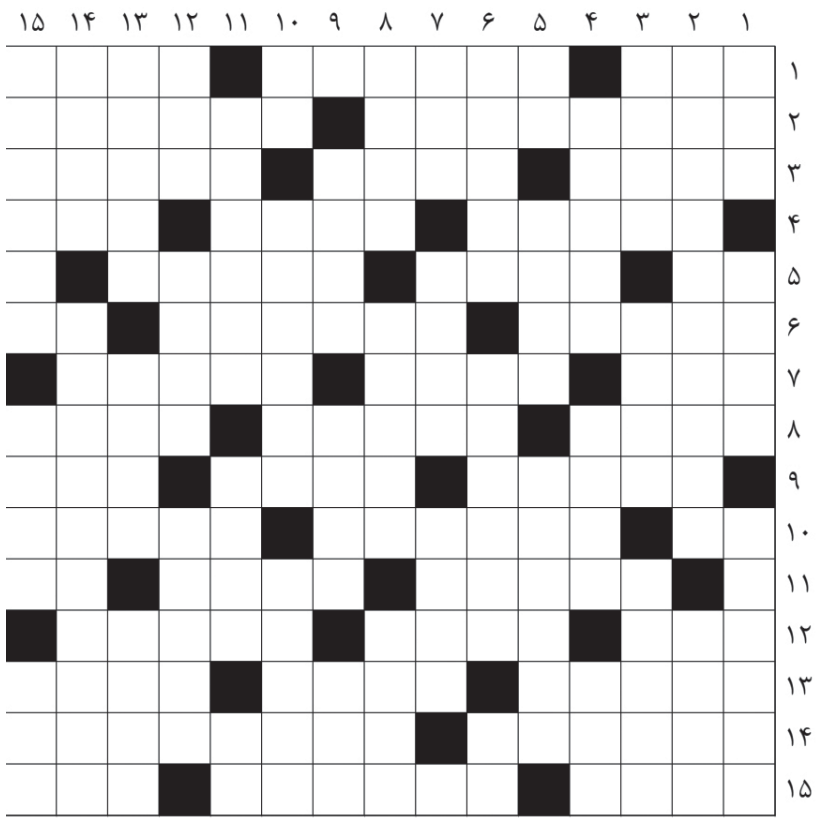

حل سودوکو ۴۲۰۰

۷	۲	۹	۵	۳	۱	۸	۴	۶
۳	۶	۸	۲	۷	۴	۵	۱	۹
۵	۱	۴	۹	۶	۸	۳	۲	۷
۹	۵	۱	۳	۸	۷	۴	۶	۲
۲	۷	۶	۴	۵	۹	۱	۸	۳
۴	۸	۳	۶	۱	۲	۷	۹	۵
۱	۴	۵	۷	۹	۶	۲	۳	۸
۸	۹	۷	۱	۲	۳	۶	۵	۴
۶	۳	۲	۸	۴	۵	۹	۷	۱

۳	۲	۶	۵	۴	۱	۸	۹	۷
۸	۴	۵	۷	۹	۳	۶	۲	۱
۱	۹	۷	۶	۸	۲	۴	۳	۵
۶	۳	۱	۴	۵	۹	۷	۸	۲
۹	۷	۲	۸	۳	۶	۵	۱	۴
۵	۸	۴	۲	۱	۷	۹	۶	۳
۴	۵	۳	۱	۶	۸	۲	۷	۹
۷	۱	۸	۹	۲	۴	۳	۵	۶
۲	۶	۹	۳	۷	۵	۱	۴	۸

حل جدول ۵۲۰۴

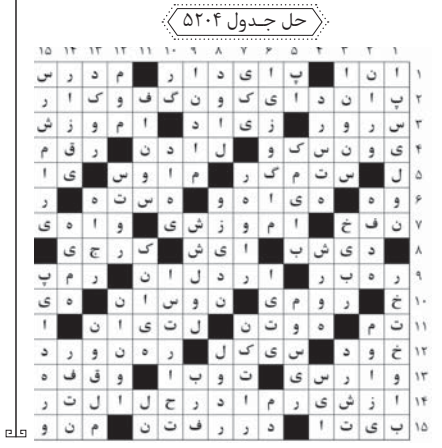

سودوکو سخت ۴۲۰۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۳	۲	۵			۱
	۱			۴		۲	۷	۵
						۴		
			۶	۳				۸
	۷	۸				۳	۶	
۴				۸	۷			
		۲						
۷	۸	۴		۶			۱	
۳			۹	۷	۸			

سودوکو ساده ۴۲۰۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۳				۱	۲		۶
۵					۳	۷		۸
	۸					۳	۴	
			۳					۹
۳		۶	۸		۲	۵		۷
۷					۵			
	۱	۹					۸	
۸		۵	۱					۴
۶		۳	۹				۷	